

## بررسی چند واقعه تاریخی

### تبریزنیا، مجتبی

در کتاب حاضر پنج واقعه و موضوع تاریخی که عمدتاً مربوط به دوره قاجار هستند، مورد بحث و بررسی دقیق و موشکافانه قرار گرفته‌اند.

نویسنده کتاب، سرهنگ یحیی شهیدی، در سال 1300 هـ.ش در خانواده‌ای روحانی در قزوین به دنیا آمد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود و شهرهای زابل، زاهدان، بیرجند، تایباد، تنکابن، مشهد و تهران به پایان رسانده و در سال 1323 ش. وارد دانشکده افسری شده و پس از به پایان رساندن تحصیلات نظامی و موفقیت در کنکور، در دانشگاه تهران، به تحصیل در رشته‌های زیر پرداخته است:

زبان و ادبیات فرانسه (لیسانس)، تاریخ و جغرافیا (لیسانس)، جغرافیا (فوق لیسانس)

دکتر شهیدی از سال 1345 به مقام استادی دانشکده افسری نائل آمده و در سال 1348 ش. به عضویت کمیته تاریخ ارتش در آمد. پس از بازنشستگی مرحوم دکتر جهانگیر قائم مقامی (1350) به سر دبیری مجله بررسی‌های تاریخی ارتش، منصوب شده و تا سال 1355 که مصادف با آغاز دوره بازنشستگی ایشان است، در همان سمت مشغول به کار بوده‌اند.

کتاب حاضر، با مقدمه‌ای مبسوط به قلم دکتر ناصر تکمیل همایون آغاز شده و علاوه بر شرح و معرفی مباحث کتاب به بیان نکاتی در رابطه با موضوع برخی از قسمت‌های کتاب پرداخته می‌شود. توضیحات مفید و جامع دکتر تکمیل همایون در توضیح و معرفی کتاب به صورت نوشتار حاضر مورد استفاده قرار گرفته است.

در کتاب حاضر، همانطور که گذشت، پنج موضوع و رویداد تاریخی مورد بحث قرار گرفته و هر گفتار به بیان یکی از آنها اختصاص یافته است. مباحث گفتارها به شرح زیر است:

گفتار نخست: درباره نام و نشان بخش شمالی رود ارس می‌باشد که در تاریخ و جغرافیای تاریخی فارسی، عربی، ترکی و دیگر زبان‌های جهان همواره نام «اران» داشته و به قول مؤلف تا سال 1918 م/ 1337 قمری و 1297 ش به همین نام خوانده شده است. این امر تاریخی را کتاب‌های معتبری چون البلدان ابن فقیه، صورت الارض ابن حوقل، نزهة القلوب حمد الله مستوفی، المسالک و الممالک استخری، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم مقدسی، تقویم البلدان ابو الفداء، معجم البلدان حموی، عالم آرای عباسی، اسکندر بیک منشی و دهها منبع معتبر دیگر گواهی داده و در روزگار معاصر نیز احمد کسروی، دکتر عنایت الله رضا و دکتر پرویز ورجاوند به تفصیل از آن سخن به میان آورده‌اند.

مؤلف با بررسی همه پژوهش‌های موجود در این باره، خوانندگان خود را به این نکته شوم سیاسی که سلطه بیگانگان در پدید آمدن آن مؤثر بوده، آشنا ساخته است. نخست غرض ورزی حکام ترکیه (چه پان ترکیست‌ها و چه پان اسلامیت‌های وابسته) و آنگاه توسعه‌طلبی روس‌ها (چه تزارها و چه کمونیست‌ها) را روشن ساخته و چنین آورده است: «ولایاتی که به موجب معاهده شوم ترکمان جای در سال 1243 قمری (زمان سلطنت فتحعلی شاه) از ایران جدا شد عبارت‌اند از: ولایات قره باغ، گنجه، شکی، شروان، اران، در بند، باکو، قسمتی از طالش، سراسر داغستان، گرجستان، بقیه قفقاز تا رود ارس، قسمت عمده‌ای از دشت مغان و بندر لنکران که همه را با حقوق کشتی‌رانی دریای خزر به روسیه واگذار کردند. می‌بینیم که کلمه آذربایجان بین این اسامی دیده نمی‌شود.»

پس از پیروزی بلشویک‌ها و حاکمیت سیاسی اشتراکی جدید بر منطقه، مؤلف از قول نویسنده کتاب سیاست دولت شوروی در ایران از سال 1296 تا 1306 ش نقل کرده است: «دولت ترکیه که در بخشی از سرزمین‌های عثمانی به رهبری آتاتورک استقرار داشت برای رفع مشکلات خود با بلشویک‌ها که سلطه بر قفقاز را از هر جهت، به ویژه در اختیار داشتن منابع نفت، برای خویش حیاتی می‌دانستند، کنار آمد و بر اثر معامله با دولت بلشویکی به رهبری لنین، جمهوری تازه نفس «آذربایجان» را به روس‌ها واگذار و نیروهای خود را از آنجا خارج ساخت. بلشویک‌ها با پرداخت حدود دو میلیون منات طلا، به صورت جواهرات سلطنتی و طلا، دادن چند کشتی اسلحه و واگذاری قارص و اردهان در جنوب غربی ارمنستان به ترکیه، «جمهوری آذربایجان» را خریدند و بدون کوچکترین مزاحمتی شبانه به باکو وارد شدند و به عمر کوتاه استقلال ظاهری جمهوری تازه‌هم تاسیس آذربایجان که در سرزمین تاریخی اران و شروان شکل گرفته بود پایان بخشیدند.»

نویسنده از قول مورخ مشهور روسی به نام بار تولد به درستی نقل کرده است: «نام جمهوری آذربایجان از آن جهت برای اران انتخاب شد که گمان می‌رفت با گزینش نام جمهوری آذربایجان، آذربایجان ایران و جمهوری آذربایجان یکی شوند.»

در این گفتار، آقای شهیدی خوانندگان خود را آگاهی می‌دهد که در گذشته در پی سهل‌انگاری و بی‌مبالاتی و خیانتکاری حکومتگران در ایران، چگونه گوشه و کنار میهن عزیز ما به فروش می‌رسید و چگونه استعمار شرق و غرب بر سرزمین‌های ایرانی‌نشین سلطه می‌یافت. وی خوانندگان را هشدار می‌دهد که چه باید بکنند و مسؤولان مملکتی در این روزگار سخت چه وظایفی بر عهده دارند و به درستی می‌نویسد: «باید جوانان ایران را عموماً و جوانان آذربایجان شرقی و غربی را خصوصاً آگاه کنند و بدانند که اگر بی تفاوت باشند جنگی دیگر، جنگی ناخواسته بدتر از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را در پیش خواهند داشت.» وی در پایان از آثار جعلی مؤلفان مغرض «انسیتو تاریخ آکادمی علوم جمهوری شوروی آذربایجان» و تحریف‌های آنان هم مطالبی نقل کرده که به خوبی غرض‌ورزی دشمنان ایران را نشان داده است. مؤلف با آوردن نقشه‌های جغرافیایی و چند تصویر، خوانندگان را با عینیت بیشتری آشنا کرده است.

گفتار دوم: با عنوان «بریگاد قزاق» ترجمه مقاله‌ای است به قلم پاولوویچ (Pavlovitch . M) که در تاریخ 1911/11/23 م - 1290/9/22 ش در مجله «جهان اسلام» (musulman monde du Revue) «به چاپ رسیده است. نویسنده این مقاله، وضع اسفبار ارتش و نظام را در ایران زمان قاجار شرح می‌دهد. اسامی افسران و درجه‌داران روسی که هنگام تشکیل بریگاد مزبور به منظور تعلیم افراد به ایران آمده‌اند را نام برده، وضع سربازان داوطلب را با وضع قزاق‌ها مقایسه نموده و به بیان اعمالی که فرماندهان روسی قزاق در ایران مرتکب شده‌اند می‌پردازد سپس مقاله را با اشاره‌ای به عهدنامه‌های «گلستان» و «ترکمن‌چای» و نتایج حاصله از آنها به پایان می‌رساند.

در این مقاله تصویر قیوض مالیاتی (به فارسی و روسی) که روس‌ها از مردم ایران می‌گرفتند و تصاویر رؤسای قزاقخانه و چند سند دیگر آمده است و به جنایات‌های شایسته و کتل لیاخوف بر ضد نهضت مشروطه خواهی ایرانیان اشاره شده است. همچنین از نامه‌های ادوارد براون نیز سخن به میان آمده است.

گفتار سوم: نامه محرمانه میرزا ملکم خان به ناصر الدین شاه قاجار است. میرزا ملکم خان در این نامه خرابی اوضاع سیاسی ایران را به شاه یادآور شده، از فراموشخانه (فراماسونری) سخن به میان آورده، از کنستیتوسیون (مشروطه Constitution) گفت و گو کرده و نسبت به علما و مجتهدان، مطالب احترام‌آمیزی آورده و بر احوال تحویلداران خدمت و محتسبان ملک گریسته است. شریعت مطهره اسلام و «طریقه الفت و مؤانست کل جنس انسان» را مورد تکریم قرار داده است و در مجموع این متن که معلوم نیست به دست ناصر الدین شاه رسیده و اینک در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود برای کسانی که به نوآوری‌های سیاسی در ایران علاقمندند مفید است.

به نظر مؤلف کتاب «علت عزل ملکم خان از سفارت ایران در لندن، وصول این عریضه به دست ناصر الدین شاه بوده است... زیرا وی، در این عریضه سلطنت در ایران را مورد انتقاد قرار داده و آن را مسبب قتل و غارت مردم دانسته و از حکومت مشروطه دفاع نموده و بعضی از رسوم معمول آن زمان را، زیر سؤال برده است. در نتیجه از سفارت ایران

معزول و تا زمان مرگ ناصر الدین شاه شغلی به او محول نشد، تا اینکه در سال 1317 ه.ق/1900 م، در سفر اول مظفر الدین شاه به اروپا، ملکم در پاریس به حضور شاه رسید و به لقب «ناظم الدوله» مفتخر و به سمت وزیر مختار ایران در ایتالیا منصوب شد و تا آخر عمر (1326 ه.ق) در همین سمت باقی ماند و پس از مرگش در 77 سالگی در لوزان، بر حسب وصیتش جنازه او را به پایتخت سویس بردند و سوزانیدند.

شایان ذکر است که مجموعه اسناد و مدارک دوران سفارت میرزا ملکم خان در اروپا پس از مرگ وی توسط همسرش به کتابخانه ملی پاریس اهدا شده و مدارک مزبور که نامه حاضر نیز جزئی از آن به حساب می‌آید، در همان کتابخانه و در 11 مجلد از شماره 1987 تا 1997 نگهداری می‌شود.

همچنین درباره سوابق انتشار آثار ملکم خان، به ویژه مکتوب حاضر، در زیر نویس اول آمده است: آثار مکتوب و چاپ شده میرزا ملکم خان تا آنجا که در منابع آمده، 28 رساله و کتاب است که نام آنها در نشریه اطلاعات (28 هزار روز تاریخ ایران و جهان) نوشته شده و از این‌نامه که مستقیماً خطاب به شاه است اسمی برده نشده، نیز چندنامه در مجله بررسی‌های تاریخی، شماره 1، سال 5 و 7 سال ششم از او آمده است.

گفتار چهارم: درباره قره العین (بانو زرین تاج) است. وی دختر حاج ملا محمد صالح برغانی قزوینی و همسر پسر عمش آقا محمد، امام جمعه قزوین (پسر شهید ثالث) است. این زن که به بایبگری متهم شده دارای سه فرزند مجتهد به نام‌های شیخ ابراهیم، شیخ اسماعیل و شیخ اسحاق و یک دختر بوده است. او زنی فاضل و شاعر و عالم به مسائل مذهبی و فلسفی بوده است. در نظر بایبان، او بایی است و بهائیان نیز او از بستگان عقیدتی و ایمانی سید علی محمد باب دانسته‌اند و بر پایه نوشته‌های این فرقه و نیز ازلی‌ها، در بسیاری از کتاب‌های تاریخی و ادبی، قره العین، «بایبیه» معرفی شده و گاه او را موسس فرقه جدیدتر «قرتیه» نیز دانسته‌اند.

آقای یحیی شهیدی در این مقاله، منبع تمام انتسابات بایبیه به قره العین را دو کتاب مطالع الانوار محمد زرنندی و الکوکب الدریه عبد الحسین آواره دانسته و با نشان دادن تناقض‌های موجود کوشیده است این اتهام را از او سلب نموده و وعده داده که در تحقیقی جداگانه این موضوع را بسط دهد و «حقایق را از اتهامات بی اساس و شایعات جدا نماید و نظریات نوشته شده را با یکدیگر مقایسه کرده و قضاوت را درباره حقیقت ماجرا به عهده محققان بگذارد.»

گفتار پنجم: دو سند تاریخی و یک کاریکاتور از دوران قاجار است:

سند اول فرمانی است به نام میرزا محمد رضا، جد پدری جناب آقای علی اصغر شاه پرکی که در تاریخ 1251 ق محمد شاه قاجار، تیولی در خراسان به وی تفویض کرده است. آقای شاه پرکی فرزند میرزا عیسی خان این میرزا محمد رضا فرزند میرزا علیخان می‌باشد و محمد شاه قاجار دایی میرزا علیخان بوده است.

سند دوم، یکی از مظاهر شوم قرارداد ترکمانچای را نشان داده و آشکار می‌سازد که اتباع دولت روسیه مقیم ایران، حتی ماموران ایرانی‌شان به پشتیبانی همین قرار داد و مشخصاً مادهء مربوط به کاپیتولاسیون (که به موجب آن، هرگاه اتباع روسیه تزاری در کشور ایران خلائی انجام داده و یا مرتکب جنایتی شده و یا اجحاف در حق کسی می‌نمودند، می‌بایستی در محاکم مربوط به دولت خود محاکمه شوند) هر گونه اجحاف در حق دیگران را، روا داشته‌اند. همچنین سند مزبور نشان می‌دهد که مجتهدان متقی و برجسته قزوین از آن میان حاج سید جمال مرحوم چگونه در دفاع از عدالت موضع‌گیری‌های مردمی داشته‌اند.

تصویری که نویسنده از هفته نامه «آینهء غیب نما» (1225 ق) انتخاب کرده، اتحاد ملت را با روحانیت نشان می‌دهد که درخت کهنسال ایران اسلامی را با استدعای مدد از حضرت حجت بن الحسین (ع) به طرف خود می‌کشند تا مستقل و مستقیم پا بر جا بماند و اجازه نمی‌دهند استعمار شرق و غرب به استناد مندرجات معاهده ترکمان چای پیروز گردد و نمی‌گذارند

موریانه‌های طمع، رشوه‌خواری، نفاق، امتیاز به خارجه و جهل و نادانی که دست به دست هم داده و در حال جویدن ریشه‌ها  
این درخت کهنسال هستند، موفق شوند به آن آسیبی برسانند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی